

## چکیده

مطالعه حاضر می‌کوشد با اتخاذ رویکرد صرف ساخت محور به بررسی اسامی مشتق در زبان فارسی بپردازد. از آنجاییکه اسامی مشتق در زبان فارسی در بافت های زبانی متفاوت میتوانند معنی و مفهوم خاصی به خود بگیرند صرف ساخت محور با بهره گیری از طرحواره ها و زیر طرحواره ها به بررسی عملکرد برخی الگوهای واژه سازی زبان فارسی و توجیه مواردی که به نوعی تخطی از الگوهای ناظرشان هستند، می پردازد. برای این منظور، از لغت نامه ها و منابع مختلف دیگر کلمات مشتق جمع آوری و مورد بررسی قرار گرفت. بررسی ها نشان می دهد که تعداد زیادی واژه پیچیده مشابه می تواند در واژگان وجود داشته باشد که ویژگی های آنها با الگوی طرحواره ای خود مطابقت کامل نداشته باشند، در صورت برخوردار بودن این واژه ها از بسامد و زیایی کافی، ممکن است گویشوران برای آنها انشعابی زیر طرحواره ای در واژگان خود تشکیل دهند که در آن زیر طرحواره تعدادی ویژگی خاص جایگزین ویژگی های پیش فرض طرحواره عمومی شده باشد. به نظر می رسد این وضعیت بر طرحواره ناظر بر عملکرد برخی پسوند ها، حاکم است. صرف ساخت محور با قائل شدن به پیش فرض بودن وراثت و امکان جایگزین شدن ویژگی های خاص هر زیر طرحواره با ویژگی های طرحواره گره بالاتر از خود، موجب می شود مواردی از محصولات واژه سازی که در رویکردهای قبل استثنا و تخطی از قواعد صرفی فرض می شدند، امکان توجیه مناسبی بیابند. در این چارچوب می توان بدون از دست دادن تعمیم کلی مربوط به اکثریت واژه های پیچیده کاملاً منطبق با یک طرحواره صرفی، با در نظر گرفتن زیر طرحواره هایی با ویژگی های خاص و متفاوت با ویژگی های پیش فرض طرحواره عمومی، وجود چنین واژه هایی را نیز توجیه کرد.